

گونه شناسی نعمتهای باطنی در نهج البلاغه

استاد راهنما: اعظم پورپونیه

عصمت ستایش، فاطمه ایوبیان

مدرسه علمیه فاطمیه (س) نجف آباد استان اصفهان

چکیده

نعمتهای باطنی در نهج البلاغه فضایل و مواهبی هستند که خداوند به بندگان عطا کرده تا از آنها به درستی استفاده کرده و درمسیر هدایت و شکرگزاری اوگام بردارند. خداوند مهربان نعمت های بسیار گسترده‌ای به انسان عطا فرموده است، اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که انسان را دچار خود کرده است. از آنجا که نعمتهای الهی لازمه زندگی بشر بوده و زندگی انسان اولین نعمتی بوده است که به او داده شده است و با توجه به اینکه نهج البلاغه دریای پرگهر از معارف، درس‌ها و حکمت و.... بوده بسیار از این نعمتها را بیان کرده است لذا به بیان نعمتهای باطنی در نهج البلاغه به روش کتابخانه ای توصیفی پرداخته شده است.

کلید واژه ها: نعمتهای الهی، نعمتهای ظاهری، نعمتهای باطنی، نهج البلاغه

بر نعمت و روزی گر کنی شکر خدای و ز اندک آن برون نگریدی از رای

افزون بشود روزیت از شکر و سپاس پس شکر خدا ز بهر روزیت نمای

نعمتهای الهی در نهج البلاغه از جمله فضایل و مواهبی است که خداوند متعال برای بندگان قرارداده تا از آنها به درستی استفاده کرده و قدم درصراط مستقیم گذارند. اگر کسی بر نعمت و روزی رسیده شکر خدای را بجا بیاورد و به رأی خویش از اندک آن نیز راضی و در سپاس باشد، خداوند بخاطر همان صبوری و سپاسش روزی بر او افزون گرداند

هرگاه نمونه‌هایی از نعمت‌ها به شما رسید آنرا با اندک شکر دور نسازید. پس اندکی از نعمت را شکر یزدان واجب است که باعث افزونی نعمت گردد، و بر کسانی که کفران نعمت نمایند بر او سخت گردد فردای قیامت و عذاب الهی و آتش دوزخ بر او امان ندهد. نعمتهای الهی به دو دسته ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود که هر کدام از اینها دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌ای هستند. نعمتهای معنوی برای سعادت اخروی و به تکامل رسیدن انسانهاست مانند نعمت وجود پیامبر و اهل بیت که راهنمایی صادق و نیکو بر امت هستند.

توجه به این نعمتها راهی برای شناخت بهتر نعمتها و با شناخت نعمتها راهی هم برای ورود به قلمرو شکر گشوده می‌شود و موجب قرب به خدا و بیرون آمدن از غفلت می‌شود. درسایه ی شناخت نعمتها انسان با صاحب نعمت آشنا شده و در پی آن به انجام وظیفه ی بندگی و ستایش می‌پردازد لذا ضرورت دیده شد که درباره ی نعمتهای باطنی تحقیق شود تا با هدف شناخت نعمتهای الهی راهی هم برای شکرگزاری و عبادت خالصانه انجام می‌شود.

به این ترتیب از کتاب گهربار نهج البلاغه برخی از نعمتهای باطنی مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای ایجاد فرصت، جهت استفاده از این مضامین عالی، این پژوهش درصدد است که با استفاده از شروح و منابع معتبر با روش کتابخانه‌ای، توصیفی به بیان این نعمتها و شرح و توصیف آن نعمت‌ها از کلام امام بپردازد.

در سخنان امیرمومنان (علیه السلام) نمونه های متعددی از نعمتهای خداوند یاد شده است، تا توجه ما را به احسان های گسترده الهی بیشتر معطوف دارد. برخی از این نعمتها که در این فصل به آن پرداخته می‌شود عبارتند از: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و نبوت، اهل بیت، وحدت، و....

مفهوم شناسی

نعمتهای الهی

منظور از نعمت هر حالت خوب و بهره ها و برخورداریه‌ها و آنچه مایه ی خوبی و خوشی انسان است نعمت نام دارد و در واقع فضایل و مواهبی است که خداوند به بندگان عطا کرده تا از آنها به درستی استفاده کرده و در مسیر هدایت و شکر گزاری او گام بردارند.

نعمتهای باطنی

برای پاک بودن، و پاک ماندن، و پاک زیستن و برای رشد و تعالی روح و به سعادت رسیدن اخروی از جانب حق نعمت هائی به انسان عنایت شده، که جز حضرت حق احدی ارزش آن نعمت ها را نمی داند. قسمتی از این نعمتها عبارت است از: عقل، قرآن، نبوت، امامت، قلب و..

در سخنان امیرمومنان (علیه السلام) نمونه های متعددی از نعمتهای خداوند یاد شده است، تا توجه ما را به احسان های گسترده الهی بیشتر معطوف دارد. برخی از این نعمتها که به آن پرداخته می شود عبارتند از: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و نبوت، اهل بیت، وحدت، و.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و نبوت

بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و انبیاء عظام سلام الله علیهم اجمعین، از نعمتهای بزرگ الهی بر عموم بشریت به شمار می رود و به این واسطه، زمینه هدایت بشر به همه کمالات و خوبی‌ها و سجایای اخلاقی را فراهم کرده است. پیامبران، رسولان ظاهری هستند که در کنار رسول باطنی (عقل)، راهنما و مرشد انسان‌ها می باشند. در این میان، بعثت خاتم الانبیاء، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله وسلم)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که دین مبین اسلام، به عنوان آخرین دین آسمانی، کامل ترین دین و مکمل ادیان گذشته می باشد. این حدیث معروف است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنِّي بُعْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ من مبعوث شده‌ام تا مکارم اخلاقی را کامل گردانم.»

بعثت پیامبر اسلام صلوات الله علیه و آله به قدری مهم است که خداوند متّان به واسطه این نعمت بزرگ، بر مؤمنان منت نهاده است؛ در این جا که می فرماید: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که از بین آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را برای آنها بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمت بیاموزد؛ گر چه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.» (آل عمران، ۱۶۴)

کلمه «من» به معنی سنگهایی است که با آن وزن می کنند و به همین دلیل هر نعمت سنگین و گرانبهایی را "منت" می گویند که اگر جنبه عملی داشته باشد یعنی کسی عملاً نعمت بزرگی به دیگری بدهد کاملاً زیبا و ارزنده است و اما اگر کسی کار کوچک خود را با سخن، بزرگ کند و به رخ افراد بکشد کاری است بسیار زشت، بنا بر این منتی که نکوهیده است به معنی بزرگ شمردن نعمت‌ها در گفتار است اما منتی که زیبنده است همان بخشیدن نعمتهای بزرگ است. خداوند در آیه فوق می گوید: پروردگار بر مؤمنان منت گذارد یعنی نعمت بزرگی عملاً در اختیار آنها نهاد.

اما اینکه چرا تنها نام مؤمنان برده شده در حالی که بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای هدایت عموم بشر است، بخاطر این است که از نظر نتیجه و تاثیر، تنها مؤمنان هستند که از این نعمت بزرگ استفاده می کنند و آن را عملاً بخود اختصاص میدهند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۵۸)

بعثت حضرت خاتم الانبیا محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، بی تردید، عظیم ترین، تأثیرگذارترین و پر رمز و رازترین پدیده هستی است؛ چرا که خداوند متعال پس از گذشت بیش از ششصد سال از بعثت آخرین پیامبر و طی دوران طولانی فترت، کامل ترین، جامع ترین و متعالی ترین دین را به دست کامل ترین، جامع ترین و متعالی ترین موجود جهان آفرینش به انسان ها ارزانی داشت و درهای خزائن حکمت و معرفت خود را بر آدمیان گشود.

با بعثت حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله و سلم) چنان انقلابی در ارض و سماء و ملک و ملکوت رخ داد که پیش از آن هرگز سابقه نداشت. بی شک درک و فهم چنین رویداد عظیمی تنها در توان کسانی است که خود مستقیماً از چشمه حکمت و معرفت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) سیراب شده؛ و بعثت را با همه وجود حس کرده و حتی صدای شیطان را به هنگام نزول وحی بر

پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) شنیده است؛ کسی به تعبیر پیامبر اعظم(صلی الله علیه وآله وسلم) همه آنچه را که رسول خدا دیده است، به چشم خود دیده و همه آنچه را که آن حضرت شنیده، به گوش خود شنیده و تنها تفاوت او با پیامبر این بوده که به مقام نبوت نرسیده است (مجله موعود مرداد ۱۳۸۵، شماره ۶۶)

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) در دوره ای تاریک و جاهلیت زده مبعوث شد تا مردم را به راه خدا هدایت کند. امام علی(علیه السلام) از پیامبر خدا و بعثت او به عنوان نعمت الهی بر بشریت یاد کرده است:

«فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَ شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَ بَعِيثُكَ نِعْمَةً وَ رَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۶) او امین مورد اعتماد تو و گواه تو در روز جزاست و برانگیخته تو به عنوان نعمت و فرستاده به حق تو به عنوان رحمت است. (محدثی، ۱۳۸۹، ص ۱۵)

امام علی(علیه السلام) در این بخش از خطبه فرموده است: «فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ» یعنی او پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) امین وحی تو است، «وَ شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ» یعنی گواه بر خلق تو در روز رستاخیز است، «بَعِيثُكَ نِعْمَةً» یعنی برانگیخته تو است، در حالی که او را برای مردم نعمت قرار دادی تا به هدایت او به بهشت راه یابند؛ «وَ رَسُولُكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً» یعنی فرستاده بر حق توست که او را برای بندگان رحمت گردانیدی تا به آتش جهنم تو در وادی هلاکت نیفتند «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، آیه ۱۰۷). (بحرانی، ج ۳، ۱۳۷۵: ص ۶۰)

«امین مأمون» در این عبارت در واقع نوعی تأکید و به معنای امانتدار کامل است و «شهید» و شاهد روز جزا بودن، اشاره به همان چیزی است که در آیه شریفه ۸۹ سوره نحل آمده است: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ»؛ بیاد آور روزی را که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها بر می انگیزیم و تو را گواه بر آنان قرار می دهیم.

و تعبیر به «بَعِيثُكَ نِعْمَةً» اشاره به این است که بعثت پیامبر هم نعمت بزرگی از سوی خداوند بود و هم نمونه بارزی از رحمت واسعه حق، چرا که میلیون ها میلیون مردم جهان، در پرتو تعلیماتش راه حق را پیدا کردند و به آن پیوستند. و این لحن در واقع اقتباسی است از آیات قرآن،

مقصد اعلای انسانیت می فرماید: «پوینده راه خدا، عقلش را زنده کرد و نفس خویش را کشت، تا آنجا که جسمش لاغرو خشونت اخلاقش به نرمی گرائید، برقی پرنور برای او درخشید و راه را برای او روشن کرد و در راه راست او را کشاند و از دری به در دیگر برد تا به سلامت و سرای جاودانه رساند، که دو پای او در قرارگاه امن با آرامش تن، استوار شد. این بود که دل را درست به کارگرفت و پروردگار خویش را راضی کرد» (خطبه ۱۲۰)

۵- نعمت وحدت و همبستگی

قرآن هم، الفت دل های مردم و وحدت آنان را از نعمت ها و منت های بزرگ الهی می شمارد در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران آمده است: **وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا.**

در این آیه بحث نهایی که همان "مسئله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه" باشد مطرح شده و می فرماید: همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید، و از هم پراکنده نشوید.

در باره اینکه منظور از "**بِحَبْلِ اللَّهِ**" (ریسمان الهی) چیست؟ مفسران احتمالات مختلفی ذکر کرده اند، بعضی می گویند منظور از آن قرآن است، و بعضی می گویند اسلام، و بعضی دیگر گفته اند منظور خاندان پیامبر و ائمه معصومین هستند.

ولی نه این احادیث و نه آن تفسیرها، هیچ کدام با یکدیگر اختلاف ندارند، زیرا منظور از ریسمان الهی هر گونه وسیله ارتباط با ذات پاک خداوند است، خواه این وسیله، اسلام باشد، یا قرآن، یا پیامبر و اهل بیت او، و به عبارت دیگر تمام آنچه گفته شد، در مفهوم وسیع "ارتباط با خدا" که از معنی "**بِحَبْلِ اللَّهِ**" استفاده می شود، جمع است.

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا سپس قرآن بنعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوهبار گذشته، و مقایسه آن "پراکندگی" با این "وحدت" دعوت می کند، و می گوید: "فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل های شما را به هم مربوط ساخت، و شما دشمنان دیروز، برادران امروز شدید"

تکرار نعمت در این آیه نشان از آن است که اهمیت موهبت اتفاق و برادری (وحدت) را گوش زد می کند. (مکارم شیرازی، ج ۳، صص ۲۹-۲۷)

و اگر در جمله: "فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا..." دوباره کلمه "نعمت" را ذکر کرد، برای این بود که به امتنانی اشاره کرده باشد که جمله: "اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ..." بر آن دلالت داشت و مراد از "نعمت" همان الفتی است که نام برد پس مراد به اخوتی هم که این نعمت آن را محقق ساخته نیز همان تالف قلوب است. (طباطبایی، ج ۳، ص ۵۷۵)

به این ترتیب وحدت و دوری از تفرقه، در قرآن وظیفه‌ی الهی و یکی از نعمتهای بزرگ الهی می باشد و یکی دیگر از این نعمتها که در اثر وحدت به دست می آید اخوت و الفت دلها با یکدیگر است. «فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» (قرائتی، ج ۲ ص ۱۲۴) غیر از قرآن موضوع «وحدت و برادری» در موارد بسیاری از نهج البلاغه نیز مطرح شده است. امام علی (علیه السلام) نیز به این نعمت بزرگ اشاره کرده، می فرماید: «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ أَمَّنَّ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَيَأْوُونَ إِلَى كَنْفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً لَأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنٍ وَأَجَلٌّ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛ خداوند بر این امت، منت گذاشته و بین آنان الفت و اتحاد ایجاد کرده است که در سایه آن زندگی کنند و به کنف حمایت آن پناهنده شوند این نعمتی است که احدی نمی تواند بهایی برایش بگذارد زیرا از هر بهایی گران قدرتر و از هر چیز پر ارزشی، با ارزش تر است.» (خطبه ۱۹۲)

نتیجه گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که تمام مواهب و نعمتهای الهی از ناحیه وجود مقدس حضرت حق است و برای هر نعمتی هم پروردگار بزرگ عالم راه مصرفی قرار داده است. سپاس بر نعمتها نشانه « وجدان بیدار» و «شعور انسانی» است. باید نعمتها را شناخت و به صاحب نعمت، معرفت و شناخت پیدا کنیم و همواره به شکر نعمتها مشغول باشیم. اولین گام برای ورود به مقام شاکران نعمت شناسی است امام علی (علیه السلام) می فرماید: از کسانی مباش که از شکر داشته هایش ناتوان است، ولی باز هم بیشتر می خواهد. (حکمت ۱۵۰) در سخنان گهربار امیر المومنین (علیه السلام) نعمتهای باطنی بیان شده است.

واز جمله نعمتهای باطنی نعمت وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و بعثت او به عنوان نعمت الهی بر بشریت است و مهمترین عاملی است که در جامعه وحدت و قوت ایجاد میکند امامت و رهبری است. آنچه اندیشه هارا را در مسیر حق، هدایت می کند و مردم را از تفرقه نگاه میدارد و

به نیروها جهت می دهد امامت و توجه به اهل بیت می باشد. که این توجه موجب ایمان و هدایت انسان می شود و علم و دانشی شامل حال او شده که از جهالت دور شده و به سمت معرفت و شناخت راهنمایی می شود. در یاد کرد این نعمتها با تأمل هدایت الهی شامل حال انسان شده و بهشت برین از آن اوست. همچنین توجه به نعمت های بی شمار پروردگار، سبب تواضع و زوال عجب و غرور می شود. از سخنان امیر المومنین در نهج البلاغه است که استفاده از این نعمتها و حمدالهی مایه تمامیت نعمت به شمار آمده است.

سپاس خدا، نشان، و سند حق شناسی و صداقت در ادعای خدا دوستی است. که یاد نعمتها و شکر و سپاس وظایف ما را در برابر نعمتهای ظاهری و باطنی روشن تر میکند که اولاً ما باید نسبت به همه این نعمتها علم اجمالی پیدا کنیم و علم به نحوه هزینه کردن آنها برای کسی که می خواهد انسان واقعی باشد لازم است. و در ثانی علم به مسئولیت در برابر نعمت هاست که من چه مسئولیتی در برابر بدن و روحم و پیامبر و... دارم؟ لذا با یاد آوری یه نعمتها در کلام امام می توان به شناخت و معرفت لازم دست یافت .

امید است نعمتهایی که از نهج البلاغه درباره سپاس بر نعمت های الهی می آموزیم ، چراغ راهنما گردد و ما را از بندگان شکور و ستایشگر خدا قرار دهد.

فهرست منابع

***قرآن کریم(ترجمه فولادوند)**

***نهج البلاغه (ترجمه دشتی ، مکارم شیرازی)**

***مفاتیح الجنان**

منابع فارسی

۱- بحرانی، میثم بن علی بن میثم، ترجمه شرح نهج البلاغه، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش

۲- جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ هفتم، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش

- ۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، چاپ چهارم، قم: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ش
- ۴- سیدرضی، تنبیه الغافلین و تذکره العارفين ، مترجم ملافتح الله کاشانی، چاپ اول، تهران: پیام حق، ۱۳۷۸ش
- ۵- طالقانی، محمود، پرتوی از نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، درسنامه از تفکر تا علم، تهران، انتشارات غنچه، ۱۳۹۰ش
- ۷- محدثی، جواد، بر کرانه شرح چهل حدیث، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۹ش
- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه، چاپ اول، قم: امام علی بن ابی طالب، ۱۳۹۰ش
- ۹- _____، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش
- ۱۰- نقوی قاینی، محمد تقی، مفتاح السعاده فی شرح النهج البلاغه، تهران: مکتبه المصطفوی، بی تا
- ۱۱- هاشمی رفسنجانی، اکبر ، برگزیده فرهنگ قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش
منابع عربی
- ۱۲- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش

1